



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی
وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته جامعه شناسی انقلاب اسلامی

عنوان:

تحلیل نشانه شناختی انقلاب اسلامی ایران

اسناد راهنما:

جناب آقای دکتر محمد جواد غلامرضا کاشی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر محمد سالار کسرای

پژوهشگر:

محسن شمسایی

ماه/ سال تحصیلی: اسفند ۱۳۹۰

کلیه حقوق مادی و معنوی این پایان نامه متعلق به پژوهشکده می باشد.
چاپ پایان نامه و استخراج مقاله از پایان نامه باید به نام پژوهشکده، با تأیید استاد راهنما و با مجوز معاونت پژوهشی باشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره: ۵۹۷۲۹
تاریخ: ۱۳۹۰/۱۲/۲۳
پیوست:



پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی

وابسته به مؤسسه تعلیم و نشر آثار امام خمینی

باسمه تعالی

صور تجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

با حمد و سپاس به درگاه خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولیعصر (عج) و با درود و سلام به روان پاک حضرت امام خمینی (س) جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

آقای محسن شمسایی دانشجوی رشته جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی

تحت عنوان: «تحلیل نشانه شناختی انقلاب اسلامی ایران (جستجوی معنای انقلاب در تصاویر آن)»

در تاریخ ۹۰/۱۲/۲۲ با حضور هیأت داوران در پژوهشکده امام خمینی (س) برگزار گردید و به موجب آیین نامه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد، ارزشیابی هیأت داوران به شرح زیر تعیین گردید:

قبول با درجه ب امتیاز: ۲۰ دفاع مجدد مردود
قبول مشروط با درجه: (با اصلاح)..... امتیاز:..... مرجع تأیید نهایی:

شرح اصلاحات مورد نیاز:

توضیح: بنا به مصوبه کمیسیون تخصصی آموزش و پژوهش پژوهشکده امتیاز پایان نامه‌ها به شرح زیر مشخص میگردد:

الف) قابل قبول از	ب) مردود
۱- قبول با درجه عالی ۱۹-۲۰	۱- قبول با درجه خوب ۱۸-۱۸/۹۹
۲- قبول با درجه بسیار خوب	۲- قبول با درجه خوب ۱۶-۱۷/۹۹
۳- قبول با درجه عالی	۳- قبول با درجه خوب ۱۴-۱۵/۹۹
۴- قبول با درجه بسیار خوب	۴- قابل قبول
کمتر از ۱۴	ب) مردود

اعضای هیأت داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضاء
۱- استاد راهنما:	جناب آقای دکتر محمد جواد غلامرضا کاشفی		
۲- استاد مشاور:	جناب آقای دکتر محمد سالار کسرابی		
۳- استاد داور:	جناب آقای دکتر محمد رضایی		
۴- استاد داور:	جناب آقای دکتر علی محمد حاضری		

امضاء مدیر گروه
امضاء نماینده تحصیلات تکمیلی
امضاء مدیریت تحصیلات تکمیلی

تهران: خیابان فردوسی شمالی، ابتدای خیابان شهید تقوی (کوشک) پلاک ۶۲، تلفن ۰۲۱-۶۶۷۲۲۰۹۰ و ۶۶۷۲۲۰۲۳-۶۶۷۲۲۰۲۵-۶۶۷۲۲۰۲۵: کد پستی: ۱۱۴۵۶۸۹۳۱۸

پست الکترونیک: info@ri-khomeini.com

وب سایت اینترنتی: www.ri-khomeini.com

تقدیم به:

بزرگترین نعمت الهی، مادرم که در سختیهای زندگی غمخوارم بود.

دوست و استاد بزرگوارم، آقای دکتر مصطفی مهر آیین که مرا صمیمانه و برادرانه یاری نمود.

تشکر و قدردانی:

از جناب آقای دکتر محمد جواد غلامرضا کاشی به خاطر راهنماییها و کمکهای ارزنده شان کمال تشکر و قدردانی را می نمایم.

همچنین از جناب آقای دکتر محمد سالار کسرابی به خاطر توصیه های ارزشمندی که نمودند کمال تشکر و سپاسگذاری را دارم.

همچنین از دوست صمیمی و بزرگوارم جناب آقای مرتضی باباییان به خاطر مساعدت های فراوانی که در چاپ و انتشار این پایان نامه در حق بنده عنایت فرمودند سپاسگذاری می نمایم
ب خود لازم می دانم از کلیه ی پرسنل محترم پژوهشکده ی امام خمینی(س) و انقلاب اسلامی، علی الخصوص اعضای محترم هیئت علمی گروه جامعه شناسی انقلاب اسلامی، قدردانی نمایم

چکیده:

پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

رشته تحصیلی: جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی

عنوان پایان نامه: تحلیل نشانه‌شناختی انقلاب اسلامی ایران

نام و نام خانوادگی دانشجو: محسن شمسانی

استاد راهنما: دکتر محمدجواد غلامرضا کاشی

استاد مشاور: دکتر محمدسالار کسرائی

تاریخ شروع پایان نامه: اسفند ۱۳۸۸

تاریخ اتمام پایان نامه: اسفند ۱۳۹۰

این پایان نامه بنا دارد تا به دنیای ذهنی جریان‌هایی که در فضای سیاسی اوایل انقلاب اسلامی ایران فعال بودند، راه یابد. لذا برای رسیدن به این مقصود از نظام‌های نمادین تولید شده توسط آنها استفاده می‌کند و از میان این نظام‌های نمادین تصاویری را که آنها در نشریات خود تولید کرده‌اند را بر می‌گزیند. دوره‌ی زمانی‌ای هم که تحقیق بر آن متمرکز است، از سقوط نظام شاهنشاهی تا اواخر سال ۱۳۵۹ و اوایل سال ۱۳۶۰ است. علت انتخاب این بازه‌ی زمانی هم آن است که در آن زمان هنوز هیچ‌گفتمانی در ایران مسلط نشده است و جریان‌های مختلف می‌توانند بدون محدودیت، محتوای فکری خود را به واسطه‌ی نظام‌های نمادین به دیگران منتقل کنند.

به همین منظور سعی بر آن است تا با روش نشانه‌شناسی به گفتگو با متون تصویری تولید شده توسط نشریات سیاسی آن دوران بپردازیم و افق فکری خود را به افق فکری کنشگران سیاسی‌ای که در تولید تصاویر مزبور دخیل بودند، نزدیک نماییم.

سؤال اصلی این تحقیق عبارت است از:

تصاویر تولید شده در نشریات گروه‌های مورد بررسی حاوی چه معنایی هستند؟

نظریه‌هایی که این تحقیق بر پایه‌ی آنها انجام شده است شامل آن دسته از نظریاتی است که واقعیات اجتماعی را بر ساخته‌ی ذهن انسان می‌دانند. به عبارت دیگر هر گونه واقعیت اجتماعی اگر بخواهد در حوزه‌ی درک انسان قرار گیرد باید در قالب نظام‌های نمادین برود و همین امر باعث ایجاد شکل تغییر یافته و جدیدی از واقعیت اجتماعی می‌شود.

روش‌ی که در این پایان‌نامه به آن استناد شده است و با استفاده از آن سعی در واکاوی معنای موجود در متون تصویری شده است روش نشان‌شناسی و تا حدودی تحلیل گفتمان می‌باشد.

نتایجی که در این تحقیق حاصل شده است آن است که گروه‌های مورد بررسی نشانه‌های رایج در جامعه را به اسارت خود در می‌آوردند، به سادگی سازی واقعیت‌ها می‌پرداختند تا از این طریق معنایی انقلابی و تحریک‌کننده را به مخاطب خود منتقل کنند؛ زیرا که دال مشترک همه‌ی گروه‌های مورد بررسی مبارزه‌ی خونین بر ضد «غیر» هایشان بود.

کلید واژه‌ها: نشانه‌شناسی - تحلیل گفتمان - جانشینی - همنشینی - اسطوره - ساخت‌گرایی - تحلیل متن - هرمنوتیک

Abstract

Imam Khomeini and Islamic Revolution Researching Center

Degree: MA

Field: sociology of Islamic revolution

Thesis: semiotic analysis of the Iranian Islamic revolution

Student name: Mohsen shamsaei

Supervisor: Dr.Mohamad Javad Gholamreza Khashi

Advisor: Dr.Mohamad Salar Kasraie

Thesis start date: 2010 March

Thesis completion date: 2012 March

This thesis is seeking to access the mental world of the movements which were active in the political environment of the early Islamic Revolution of Iran. Therefore, for achieving this objective, the symbolic systems established by them are used and among these symbolic systems selects the images born by them in their publications. The period studied by this research is within the downfall of imperial system to the ends of 1980 and the early 1981. The reason for choosing this period is that in that time, still no discourse has been dominated in Iran and different movements may transfer their intellectual content without limitations and by means of symbolic systems.

Therefore, it is attempted to through semiotics, proceed with communicating the visual texts produced by political publications of that era and close our mental horizon to the mental horizon of political actors who were interfered in production of the said images.

The main question of this study is as follows:

The generated images in the publications of studied groups contain what meanings?

The theories this research has been construed based on include those theories that deem the social realities as construed by the human mind. In other word, if any social reality intends to be placed in the human perception scope should be construed as the symbolic systems and thus it leads to creation of a transformed and new form of social reality.

The methodology of this thesis is typology and somehow discourse analysis through which it is attempted to discover the existing meanings in visual texts.

The results of this research indicate that the studied groups withhold the common symbols in the society, simplify the reality in order to through which transfer the revolutionary and stimulator meaning to their audience; because the common reason of all studied groups was bloody struggle against their "disagrees".

Keywords: typology, discourse analysis, substitute, accompaniment, myth, structuralism, text analysis, hermeneutic

الخلاصه

مهده البحوث للامام الخميني وثورته الاسلاميه

المقطع الدراسي: المجستير

الفرع الدراسي: علم الاجتماع

مدار البحث الرساله: تحليل المعرفة العلامات الصورة الاسلاميه الايران

الاسم الطالب: محسن شمساى

استاذ الدليل: الدكتور محمد جواد غلامرضا كاشي

استاذ المستشار: الدكتور محمد سالار كسراي

تاريخ بداية الرساله: ربيع الثاني ١٤٣١

تاريخ اتمام الرساله: ربيع الثاني ١٤٣٣

هذه الرساله لها عزم ان تدخل في عالم الذهنى التيارات التى كانت ناشطة في اجواء سياسيه بداية الثورة الاسلاميه . لهذا للوصول الى هذا المطلوب نستفاد من المظاهر المنتجة بواسطتهم و من بين هذه النظمات الظاهرية الصورية الذى منتجة في منشوراتهم . الفترة الزمنية الذى يتركز عليه التحقيق من سقوط النظام الملوكى الى اواخر سنة ١٤٠١ و بداية سنة ١٤٠٢ . سبب اختيار هذه الفترة الزمانية ان في هذه الفترة الزمانية ما تسلط على ايران اى حوار و شتى التيارات يستطيعون ان ينقلون افكارهم بلا حد بواسطة النظمات الظاهرية.

لهذا الامر جهدنا ان بواسطة معرفة العلامات نقوم بالحوار مع النصوص الصورية المنتجة بواسطة المنشورات السياسية تلك الايام و نقرب ساحة ذهبيتنا مع الساحة الذهنية الباحثين السياسيين المرتبطين بالانتاج الصور المذكورة .
سوال رئيسى هذا التحقيق :

الصور المنتجة في المجموعات الموضوع البحث يحتوين اى معانى ؟

النظريات الذى انجز هذا التحقيق وفقهن تتضمن تلك النظريات التى يعلمن الوقايح الاجتماعية على تكوين ذهن الانسان فى الواقع اى نوع من الوقايح الاجتماعية التى تريد تقع فى ساحة درك الانسان يجب ان تكون فى قالب النظمات الظاهرية و هذا الامر يسبب انشاء شكل متغير و جديد من الوقايح الاجتماعية .

الاسلوب الذى استند اليه فى هذه الرساله و بالاستفادة منه جهدنا بحث المعانى الموجودة فى النصوص التصويرية يكون الاسلوب المعرفة العلامات و قليلاً تحليل الحوار .

النتائج الذى استنتجته فى هذا التحقيق ان المجموعات موضوع التحقيق ياسرن العلامات الراجعة فى المجتمع يسهلاً الحقايق كى من هذا الطريق يوصلن المعنا الثورية و المهيجة الى المخاطب لان الدال المشترك بين جميع المجموعات موضوع التحقيق المكافحة الدائمة ضد (الغير) .

الكلمات الرئيسية : معرفة العلامات - تحليل الحوار - معاشره - الاسطورة - نزعة الصنع - تحليل النص - هرمونوتيك

فهرست اجمالی

فصل اول: کلیات پژوهش..... ۱

فصل دوم: مبانی نظری ۲۲

فصل سوم: روش شناسی ۴۵

فصل چهارم: جریان های فکری رایج در انقلاب اسلامی ۵۸

فصل پنجم: یافته های پژوهش / توصیف تصاویر ۶۹

فصل ششم: جمع بندی و نتیجه گیری ۲۸۶

فهرست تفصیلی:

فصل اول: کلیات پژوهش..... ۱

- ۲..... طرح مسأله
- ۳..... ضرورت و اهمیت موضوع
- ۴..... تاریخ مختصری از مسأله
- ۱۵..... سؤال اصلی پژوهش
- ۱۵..... پیش فرض هدایت گر تحقیق
- ۱۶..... تعریف مفاهیم
- ۱۷..... روش گردآوری داده ها و تحلیل آنها

فصل دوم: مبانی نظری..... ۱۹

- ۲۰..... مقدمه
- ۲۱..... بنیانگذاران معناکاوی در کنش اجتماعی
- ۲۴..... نظریه پردازان پیرو سنت انسانشناختی
- ۲۸..... نظریه پردازان پیرو سنت تحلیل گفتمان
- ۳۲..... نظریه پردازان پیرو سنت نشانه شناسی

فصل سوم: روش شناسی..... ۴۰

- ۴۱..... مقدمه
- ۴۱..... توجه به معنای ضمنی موجود در متن تصویری
- ۴۳..... توجه به روابط موجود در متن تصویری
- ۴۵..... توجه به نظام های نشانه ای یک متن تصویری
- ۴۶..... توجه به صنایع بلاغی به کار رفته در متن تصویری
- ۴۷..... توجه به روایتهای موجود در متن تصویری
- ۴۸..... ماهیت نشانه های موجود در متن تصویری

فصل چهارم: جریان های فکری رایج در انقلاب اسلامی..... ۵۸

- ۵۲..... مقدمه
- ۵۲..... الف. جریان های فکری سنتی
- ۵۴..... ب. جریان های فکری التقاطی
- ۵۸..... ج. جریان های فکری سکولار

فصل پنجم: یافته های پژوهش / توصیف نضاویر ۶۱

۶۲.....	مقدمه
۶۳.....	الف. روزنامه ی جمهوری اسلامی.....
۶۴.....	۱. امپریالیسم.....
۸۲.....	۲. وابستگی.....
۹۸.....	۳. مبارزه.....
۱۱۴.....	ب. روزنامه ی مردم.....
۱۱۵.....	۱. امپریالیسم.....
۱۳۰.....	۲. وابستگی.....
۱۴۸.....	۳. مبارزه.....
۱۶۴.....	ج. نشریه ی مجاهد.....
۱۶۵.....	۱. مبارزه.....
۱۸۲.....	۲. دیکتاتوری و ارتجاع.....
۱۹۸.....	۳. امپریالیسم.....
۲۱۵.....	د. روزنامه ی آیندگان.....
۲۱۶.....	۱. مبارزه.....
۲۳۴.....	۲. دیکتاتوری.....
۲۵۱.....	۳. فساد.....

فصل ششم: جمع بندی و نتیجه گیری ۲۷۷

۲۸۸.....	مروری بر آنچه که بیان گردید.....
۲۷۸.....	الف. استدلالات نظری.....
۲۸۰.....	ب. نتایج تجربی.....
۲۸۵.....	فهرست منابع.....

فهرست جدول ها

- جدول ۱-۱. وجوه تشابه روزنامه ی مردم و جمهوری اسلامی..... ۲۶۷
- جدول ۱-۲. وجوه اختلاف روزنامه ی مردم و جمهوری اسلامی..... ۲۶۸
- جدول ۱-۲. وجوه تشابه روزنامه ی جمهوری اسلامی و نشریه مجاهد..... ۲۶۹
- جدول ۲-۲. وجوه اختلاف روزنامه ی جمهوری اسلامی و نشریه مجاهد..... ۲۷۰
- جدول ۱-۳. وجوه تشابه روزنامه ی جمهوری اسلامی و آیندگان..... ۲۷۱
- جدول ۲-۳. وجوه اختلاف روزنامه جمهوری اسلامی و آیندگان..... ۲۷۱
- جدول ۱-۴. وجوه تشابه روزنامه مردم و نشریه مجاهد..... ۲۷۲
- جدول ۲-۴. وجوه اختلاف روزنامه مردم و نشریه مجاهد..... ۲۷۳
- جدول ۱-۵. وجوه تشابه روزنامه مردم و آیندگان..... ۲۷۴
- جدول ۲-۵. وجوه اختلاف روزنامه مردم و آیندگان..... ۲۷۴
- جدول ۱-۶. وجوه تشابه روزنامه آیندگان و نشریه مجاهد..... ۲۷۵
- جدول ۲-۶. وجوه اختلاف روزنامه آیندگان و نشریه مجاهد..... ۲۷۶

فصل اول:

کلیات پژوهش

طرح مسأله:

یکی از ابهاماتی که در تحلیل انقلاب اسلامی ایران وجود دارد، نبودن اطلاعات کافی از انگیزه های شرکت کنندگان در کنش جمعی انقلابی می باشد. آگاهی از انگیزه هایی که افراد را به سمت کنش جمعی سوق میدهد، مستلزم شناخت نظام های توجیهاتی است که توجیه کننده ی آن عمل جمعی بوده است. به عبارت دیگر « ما موجوداتی فرهنگی هستیم که اراده و توان اتخاذ ایستاری اختیاری نسبت به جهان و اعطای معنا به جهان در ما به ودیعه گذاشته شده است. این معنا هر چه باشد ما را بدان سمت سوق می دهد که در پرتو آن به قضاوت درباره ی پدیده های خاصی از وجود انسان بنشینیم و به منزله ی پدیده های با معنا (چه مثبت و چه منفی) در برابر آنها واکنش نشان دهیم.» (ماکس وبر، ۱۳۸۴، ص: ۱۲۸)

امر واقعی برای ما فاقد معنی و مهمل است:

«سامان امر واقعی هیچ مازاد یا کمبودی ندارد؛ تنها پس از نمادین شدن امر واقعی که تنها امر واقعی ای است که به آن دسترسی داریم، مازادی به نام [امپریالیسم امریکا] می تواند عملاً وجود داشته باشد... امر واقعی صرفاً هست، و معنا تنها در واقعیت نظم نمادین یافتنی است.» (تونی مایرس، ۱۳۸۵، ص: ۴۲)

البته کشف این معنا با استفاده از روشهای کمی چندان قابل اعتماد نخواهد بود. « عدم توفیق در داخل کردن تصورات اجتماعی باعث می شود حوزه ی وسیعی از زندگی اجتماعی با روش شناسی ابژکتیویستی قابل درک و شناخت نباشد. ... آنها فقط از طریق درک تفسیری نظامی از تصورات و اعمال جمعی نمایان می شوند. در سطح مشاهده ی مبتنی بر داده های خام میان علامت دادن از روی قصد و حرکت غیر ارادی دست تفاوتی نیست. علامت دادن از روی قصد را تنها از طریق درک پیشینی نظام قا عده مند عملکردهای اجتماعی می توان شناخت.» (روبینشتاین، ۱۳۸۶، ص: ۲۴۴) یکی از راههای شناخت این نظام های توجیه، تحلیل نظام های نمادین تولید شده به وسیله مشارکت کنندگان در کنش جمعی است؛ زیرا که مشارکین در کنش جمعی از طریق این نظام ها معانی توجیه کننده عمل خویش را به منصفه ظهور میسرسانند. « برای کشف آن جنبه ی درونی چه چیزی بهتر از رجوع به قلمرو نمادین که شامل متون مختلفی (از قبیل لفظ و خط و تصاویر و ...) می شود که بشر آن را خلق کرده است تا به واسطه ی آن معنی مورد نظر خود را به دیگران برساند. پس خلق قلمروهای نمادین معنی دار است، و چون معنی دار است، قائده مند است. این قائده در میان همه ی اعضای جامعه مشترک است. یک امر اجتماعی است.» (سروش، ۱۳۷۶، ص: ۱۳۰)

یکی از مصادیق این نظام های نمادین تصاویری است که به وسیله انقلابیون در جریان انقلاب ایران تولید شده است؛ « می توانیم هر تصویری را یک نشانه در نظر بگیریم که یک دال (عنصر مادی، الگوهای مرکب بر کاغذ روزنامه) و یک مدلول (یک پلیس و یک سیاهپوست که ظاهراً در کنار یکدیگر خوش اند) را با هم ترکیب می کند. این تصویر بخشی از یک اسطوره نیز است و معنایی فراتر از دالی دارد که به ساخته شدن آن کمک می کند. این تصویر به عنوان یک نشانه ی کامل در یک زبان دیگر ادغام می شود و به صورت دالی برای یک مدلول دیگر در می آید. این باورهای اسطوره ای تصویری را به وجود می آورند که جامعه از خودش دارد یا می خواهد داشته باشد.» (کرایب، ۱۳۸۵، ص: ۱۷۸) لذا من مایل هستم که در این تحقیق تصاویری را که توسط گروه های انقلابی تولید شده اند را مورد تحلیل نشانه شناختی قرار دهم.

هدف من از بررسی این تصاویر کشف معنا های مندرج در آنها و راهیابی به دنیای ذهنی تولید کنندگان تصاویر مورد نظر می باشد. بنابراین این تحقیق از نوع تحقیقت تفسیری است:

« از نظر تفسیریون، هدف تحقیق اجتماعی عبارت است از بازسازی معنا و محتوای اعمال و نظمهای اجتماعی . به همین سبب این رویکرد، رویکردی معنی کاوانه است . بدین ترتیب که پدیده های اجتماعی را چونان متنی می بیند که معنای عناصر مختلف، حوادث و اعمال اجتماع ی را باید به کمک بازسازی خلاق، از درون آنها درآورد .» (لیتل، ۱۳۸۶، ص: ۱۱۳)

ضرورت و اهمیت موضوع:

از آنجا که این معناها سازنده ی جهان های ذهنی کنشگران می باشند، لذا اشراف بر این معناها کمک می کند تا درک بهتری از جهان های ذهنی انقلابیون داشته باشیم و انگیزه هایی را که هدایت گر اعمال ایشان می باشند را کشف کنیم. انسانها به شیوه ای معین عمل میکنند و به دلیل خاصی هم به این شیوه ی معین عمل می کنند . « در نهایت تنها توجیهاات برای کنش در یک جامعه، ارزشها و اصول معمول در جامعه اند که مردم اعتقاد زیادی به آنها دارند . این توجیهاات به نحو سازمان یافته ای در باورهای مذهبی؛ توصیف ماهیت جهان در هنر به عنوان تجلی هیجاناناطفی و تجسم فردیت و امثال آن صراحت می یابند.» (اسکیدمور، ۱۳۸۵، ص: ۲۱۲)

چیزی که در اینجا مهم است « درک کنشگر از واقعیت است و نه خود واقعیت. زیرا تا واقعیت ادراک نشود وجودش برای ما بی معنی است . ادراک واقعیت فقط به واسطهء زبان صورت می گیرد، زبان خود نیز در بسترهای گفتمانی شکل میگیرد. پس واقعیت صرفا از منظر گفتمانی مشاهده پذیر و قابل درک می شود .» (شجاعی زند و قجری، متین، ش: ۴۰) آنها چرایی و چگونگی انجام یک عمل را در نزد کنشگر توجیه می کنند؛ چرا که « قلمرو نمادی است که معین می کند کدام پدیده ها اجتماعی است و کدامیک نیست .» (برگر و لوکمان، ۱۳۷۵، ص: ۱۴۲) و به این ترتیب برای مثال مشخص می کند که اوضاع جامعه ایران در یک دوره ی تاریخی به چه شکل است؟ چرا به این شکل است؟ آیا علل اجتماعی در کار بوده است یا خیر؟ اگر در وضعیت مذکور مسأله ای مشاهده می شود آیا وضعیت مورد نظر قابل حل است یا خیر؟ چه کسانی از وضعیت به وجود آمده سود می برند؟ چه کسانی از این وضعیت زیان می بینند؟ چه راهکارهایی برای خروج از وضعت مورد نظر وجود دارد؟ و ... «ماهیت فعل جمعی متقوم به صورتهای نمادین است. و لذا در فرهنگ، قبل از تفسیر رفتار سیاسی و اقتصادی می باید به فهم چارچوبها و زمینه های معنادار و نمادین افعال همت گماشت .» (حاجلی، ۱۳۸۶، ص: ۱۱۹)

پس برای فهم این مهم که چرا یک کنشگر سیاسی در قبال موضوعی سیاسی به شیوه ای خاص عمل کرده است، مطالعه ی معانی ای که کنش مورد نظر را هدایت کرده اند لازم است. کنشگران سیاسی در زمانی که به یک عمل سیاسی مبادرت ورزیده اند، معنی ای را که هدایتگر کنش آنها بوده است را در قالب نظام های نمادین (رمان، تصاویر، سخنرانیها، دیوارنوشته ها روزنامه ها و ...) ریخته و آنها را منتشر کرده اند. با بررسی معنایی که هدایتگر کنش انقلابیون بوده است: اولاً: ادراک ما تا حدودی به ادراک گروههایی که تصاویر را تولید کرده اند نزدیک تر می شود، و تا حدودی می توانیم به کشف زاویه ی دید آنها نسبت به جهان نائل آییم.

ثانیاً: با کشف این زاویه ی دید کنش های انقلابیون برای ما معنادار می شود، با کشف منطق کنش آنها می توانیم تا حدودی به پیش بینی کنش های دیگر آنها در عرصه ی حیات سیاسی پردازیم
ثالثاً: با تطبیق این جهان های معنایی بر یکدیگر، می توانیم به شناسایی دال های مشترکی که انقلابیون بر اساس آنها با یکدیگر دست به اتحاد زده اند مبادرت ورزیم

رابعاً: می توانیم تشخیص دهیم که هر یک از گروه های انقلابی مزبور، به دال مورد نظر چه مفهومی را الحاق می کردند. الحاق مدلول ها و مفاهیم مختلف به دالی واحد، بعدها منشأ اختلاف میان گروه های انقلابی گردید
خامساً: به کشف مهم ترین دال های مورد نظر هر یک از گروه های انقلابی و معنای آنها نزد این گروه ها ناائل شویم. در مجموع به این نتیجه می رسیم که:

۱. احزاب مخالف رژیم پهلوی گروه های سیاسی ای بودند که به کنش سیاسی بر ضد این رژیم دست میزدند
۲. هر یک از آنها با توجه به سوابق تاریخی-اجتماعی و تاثیر پذیری از گفتمانی خاص معانی مورد نظر خود از فضای سیاسی-اجتماعی موجود در جامعه و کنش سیاسی متناسب با آن فضا را دارا بودند
۳. آنها به منظور همراه کردن مردم با خود سعی میکردند معانی مورد نظر خود را در جامعه منتشر کنند و از رسانه های مختلفی بهره می گرفتند. آنها در این رسانه ها امور اجتماعی را به طرق مختلفی بازنمایی میکردند. «جریان مداوم و مکرر بازنمایی رسانه ای از دیگران به طرز قوی بر ادراک ها و کنش های مخاطبان آنها از کسانی که بازنمایی می شوند تاثیر می گذارد و این بازنمایی ها عین واقعیت پنداشته میشود» (مهدی زاده، ۱۳۸۷، ص: ۵۲)
- انها این معانی و طرز تلقی ها را در قالب نظام های نمادین ریخته و به صورت وسیع در سطح جامعه منتشر میکردند . آری؛ «رسانه ها صفی طویل از تجربیاتی را که میتواند در اختیار افراد نباشد، در دسترس آنها قرار دادند در حالی که نیاز به سفر فیزیکی برای در اختیار گرفتن آن تجربیات را منتفی ساختند». (تامبسون، ۱۳۸۰، ص: ۷۲)
۴. پس با مطالعه ی روشمند نظام های نمادین به جا مانده از آنها میتوان معانی ای را که مد نظر این گروه ها بوده و در سطح وسیع منتشر شده و به همین دلیل ذهنیت بسیاری از مردم را تحت تاثیر خود قرار داده است، مورد درک و شناسایی قرار داد

تاریخ مختصری از مسأله:

در اینجا چند اثر مهمی را که با نگاهی فرهنگی و نشانه شناختی به بررسی انقلاب اسلامی ایران پرداخته اند، مورد تحلیل قرار خواهیم داد. از میان این آثار تنها حمید دباشی و پیتز چلکوفسکی هستند که به گونه ای منسجم فقط بر روی تصاویر متمرکز شده اند و بقیه ی موضوعات فرهنگی را موقتاً رها کرده اند. البته دباشی در کتاب دیگری با نام «الهیات اعتراض» به طور مفصل به چگونگی تولید گفتمان های مذهبی مخالف رژیم شاهنشاهی پرداخته است؛ ولی در کتاب «شرح تصویری یک انقلاب» تصاویر تولید شده را مد نظر داشته است.
به جز دباشی سه نویسنده ی دیگر نیز مورد بررسی قرار خواهند گرفت که به گونه ای پراکنده و در کنار موضوعات دیگر به متغیر فرهنگی و همچنین نشانه های تولید شده توسط انقلابیون توجه کرده اند که عبارتند از مایکل فیشر، نیکی کدی و منصور معدل.

الف) حمید دباشی:

دباشی از جمله شخصیت‌هایی است که انقلاب اسلامی ایران را از زاویه ای گفتمانی - نشانه شناختی مورد بررسی قرار داده است. بنابر دیدگاه دباشی یک گفتمان انقلابی نیاز به تولید کننده ی ایده یا متن و نیز نیاز به شرایط تحقق آن گفتمان دارد، دباشی این شرایط را شرایط مادی شکل گیری یک گفتمان می نامد وی خود چنین می گوید:

« برای اینکه این باورها به کنش های اجتماعی مؤثر و به لحاظ سیاسی مهمی بدل شوند نیاز به حضور عوامل (نیروهای) انضمامی و مادی بسیار است. از نظر دباشی برخی از این عوامل مادی عوامل تسریع کننده اند که در پیشروی وضعیت انقلابی تأثیر دارند. مانند آنچه وی محرومیت نسبی می نامد. از طرفی برخی دیگر از عوامل، عوامل زمینه ای اند که به زمینه یا بافت تاریخی - اجتماعی بستگی دارند. برای مثال دباشی در طی شرح زندگی ایدئولوگها به یک سری وقایع تاریخی - اجتماعی و حتی شخصی اشاره می کند که در حقیقت زمینه ساز ایده های آتی آنهاست.

دباشی در کتاب شرح تصویری یک انقلاب می گوید:

« در هر ایده ی انقلابی، قرائت نظری خاصی از وضع موجود و علی الخصوص خوانشی از مهم ترین جلوه ی آن یعنی دولت وجود دارد.»

دباشی به جای کشف ایده ی انقلابی اینبار به جای متون ایدئولوگها به تصاویر موجود در دوران قلع (۷۹-۱۹۷۸) و بعد از انقلاب (۸۸-۱۹۸۰) می پردازد. خود در این باب چنین می گوید:

« هدف این کتاب تحلیل سازمان اصیل اسطوره های عام و نهادهای جمعی در ساختن انقلاب اسلامی ایران (۷۹-۱۹۷۸) و در طی دوران جنگ ایران و عراق (۸۸-۱۹۸۰) می باشد.»

بخش عمده ی این کتاب را دیوار نوشته ها، پوسترها، تمبرها، عکس هایی از مراسم مذهبی، گورستانها، تصاویر روی پولهای (اسکناس های) آن دوره و حتی نوشته هایی از کتاب های درسی را شامل می شود . چنین کاری با این گستردگی چنانچه ناشر کتاب ذکر کرده است بی سابقه می باشد دباشی درباره ی اهمیت این تصاویر و رابطه ی آنها با انقلاب چنین می گوید:

« نشانه های هر انقلاب عام ترین عنصر خود شناسی جمعی محسوب می شود، هر انقلاب خود را در آینه ی تصاویری که این نشانه ها را می سازند می بیند . و انقلاب همین تصاویر خلق شده است . تصاویر انقلابی تصاویر مبهم و جدا افتاده از هم نیستند. آنها در عمیق ترین لایه های تصورات جمعی مردم نهفته اند . نشانه های انقلابی به انقلابیون می آموزند که به چه چیز اعتقاد داشته باشند، چه بگویند، و این نشانه ها به چه چیزی دلالت می کنند . قرمز [در فرهنگ ایران پس از انقلاب] به خون یعنی خونی متعالی و ارزشمند دلالت می کند [مانند خون شهدا]. این نشانه به خوبی به این موضوع دلالت دارد که ریختن خون در راه انقلاب امری متعالی و با ارزش است»

از نظر دباشی در میان انواع ایدئولوژیهای گوناگون آنچه وی « ایدئولوژی اسلامی » می خواند پیروز میدان می گردد . بنابراین این ایدئولوژی اصولاً می بایست دارای یک سری توانایی ها و امکاناتی باشد که سایر ایدئولوژیهای موجود فاقد آنهاست. از آنجا که دباشی بر سیاق جامعه شناسی معاصر (پس از چرخش زبانی) می اندیشد، ایدئولوژی از نظر وی مانند

سایر پدیده های اجتماعی، اساسی زبان شناختی دارد. به همین دلیل نیز ایدئولوژی با ویژگیهای ارتباطی خود مشخص می گردد. یعنی ایدئولوژی خود نظامی ارتباطی است. ایدئولوژی مفهومی پیچیده و چند وجهی است. و این مفهوم بخصوص در میان اندیشمندان چپ بسیاری را به خود مشغول کرده است

از نظر دباشی گفتمان انقلابی یکسری ایدئولوگ دارد. کار ایدئولوگها نیز تولید متونی است که در واقع مبنای جهان بینی یا به اعتقاد او « فرهنگ نشانه ای » جامعه است. دباشی اینگونه توضیح می دهد که هیچ انقلاب سیاسی ای به وجود نخواهد آمد مگر با بازسازی ایدئولوژی فرهنگ نشانه ای. دباشی اصطلاح فرهنگ نشانه ای را مشابه ایستمه ی فوکو و یا پارادایم نزد توماس کوهن می داند. بنابراین فرهنگ نشانه ای حاصل کار یکسری تولیدکنندگان متن، وقایع مادی خاص آن دوران و سرگذشت نشانه ها در آن فرهنگ می باشد. به همین دلیل به قول دباشی « آنچه در فرایند انقلاب رخ می دهد عبارت است از باز تولید و تولید نشانه ها و نهادها در قالب رمزگان خاص و سپس ترجمه ی مجدد آنها در شرایط انقلابی است.»

دباشی در « شرح تصویری یک انقلاب » یکی از پرسشهای خویش را نحوه ی شکل گیری اسطوره ها و نهادها و چگونگی انتقال آنها به توده های مردم می داند. و اینکه نهایتاً با چه مکانیسمی این اسطوره ها و نمادها که روزگاری خاموش بوده اند. اکنون اینگونه خروشان و جوشانند و باعث شور انقلابی مردم می شوند. (dabashi, 1999, p:28) دیدگاههای دباشی در باب ایدئولوژی های انقلاب اسلامی ایران متأثر از آرای گرامشی است؛ چنانکه کیت نش ن یز در باب ایدئولوژی و فرهنگ از نگاه گرامشی چنین می نویسد:

« ابتکار گرامشی در مارکسیسم این است که دولت را نهادی تلقی نمی کند که سیاست در آن شکل می گیرد؛ بلکه به اعتقاد او ایدئولوژی اول از همه باید در جامعه ی مدنی ایجاد شود. در جامعه ی مدنی ایدئولوژی به شیوه ای در اشکال عمومی زندگی تجلی می یابد که برای مردم به یک حس عمومی مسلم و بدیهی تبدیل می شود (نش، ۱۳۸۴، ص: ۲۵) بر همین مبنا نیز دباشی توضیح می دهد که ایده ی انقلابی در ایران « ایدئولوژی اسلامی » است. این ایده قادر بوده است مردم را در برابر مسائل، خطرات و دردهای پیدا و پنهان واقعی و خیالی بسیج نماید. به همین دلیل ایده ی مسلط محسوب می شود. آنچه در ایران اتفاق افتاد این بود که عده ای از ایدئولوگها (به قول گرامشی روشنفکران ارگانیک) با آگاهی از ریشه های عمیق دینی در مردم یک سری ایده های خاص را از متون مقدس برداشت و تبدیل به مطالب سیاسی ملموس نموده اند. این ایده ها نهایتاً تبدیل به باورهای جمعی می شوند. این همان نظریه ی « هژمونی » گرامشی است که در بالا نیز به آن اشاره شد. آنچه ایدئولوژی نام می گیرد در حقیقت خط فاصل بین این متون و واقعتهای عینی سیاسی است.

دباشی به پیروی از آلتوسر بر بعد زبانی ایدئولوژی به عنوان بازنمایی هایی از واقعیت های موجود تأکید دارد. به اعتقاد آلتوسر بازنمایی هایی که ایدئولوژی ارائه می دهد به هیچ عنوان نماینده ی واقعیت عینی موجو نمی باشند بلکه حاوی ایده ها یا رمزگان خاصی از یک گفتمان اند. دباشی نیز خود بارها تأکید می کند که از نمادها و نشانه های اسلامی به خودی خود آنچه را که ایدئولوگ ها تحت عنوان ایدئولوژی اسلامی مبارزه مطرح می کنند بر نمی آید. در واقع کار ایدئولوگ استخراج نمادها، نشانه ها، اسطوره ها و ... از متن جامعه یعنی زبان و واژگان آن و سپس بازسازی و عینی کردن آنهاست. در تکمیل این بحث باید گفت که دباشی علاوه بر استخراج (بیرونی سازی) و عینی سازی مرحله ی سومی برای شرح شکل گیری و به نتیجه رسیدن یک اعتراض ارائه می کند؛ این مرحله درونی سازی نام دارد. در این مرحله است که سوژه ها شکل می گیرند و در واقع آماده ی کنش های اعتراضی می گردند

یکی دیگر از چارچوبهای مورد بررسی دباشی نگاهی است تحلیلی که به تاریخ ماقبل انقلاب اسلامی ایران دارد. ولی کار وی تاریخ نگاری به شیوه‌ی مرسوم نیست بلکه در واقع به تبارشناسی انقلاب می‌پردازد. تبارشناسی در پی آن است که وقایع (تضادها، گسسته‌ها؛ خشونت و ...) را برملا کند پرده از فریبکاریه‌های تاریخی بردارد و دودمان پدیدارهایی را که به عنوان حقیقت عرضه شده اند را پی جویی کند... یعنی استراتژی‌های سلطه را کالبد شکافی کند... این روش به دنبال تاکتیک‌ها ابزار و کارکردهای قدرت و شبکه‌ی روابط حاکم بر آنهاست. بنابراین نگاه دباشی به تاریخ نیز نگاهی فرهنگی محسوب می‌شود. کتاب «شرح تصویری یک انقلاب» (۱۹۹۹) خود گویای همین مطلب است. چاقوب نظری دباشی متأثر از آراء نظریه پردازانی چون فوکو، آلتوسر، گرامشی، دریدا، امبرتو اکو و غیره است. به عبارتی نگاه وی به جامعه نگاهی مابعد چرخشی زبانی است. بر مبنای این نگاه واقعیت‌های اجتماعی زاده‌ی زبان یا به قول سوسور «نظامی از تمایزها» می‌باشد. بر همین اساس وی عموماً بر متون تولید شده در حوزه‌ی انقلاب اسلامی ایران تأکید دارد.

در یک جمع بندی می‌توان گفت که به لحاظ روش شناختی دباشی از روشهای موسوم به «تحلیل گفتمان» و «تحلیل نشانه شناختی» در بررسی انقلاب ایران استفاده نموده است. به زبان ساده گفتمان‌ها نه تنها مربوط به چیزهایی است که می‌تواند گفته یا درباره اش فکر شود بلکه درباره‌ی این نیز است که چه کسی در چه زمانی و با چه آمریتی می‌تواند صحبت کند. گفتمان‌ها مجسم کننده‌ی معنا و نیز ارتباطات اجتماعی - سیاسی (قدرت) است. گفتمان‌ها امکانات تفکر را تحمیل می‌کنند. آنها کلمات را از طریق راههای ویژه تنظیم و ترکیب کرده و مانع ترکیبات دیگر شده یا آنها را جا بجا می‌نمایند.

دباشی تأکید دارد که کار وی اساساً متن محور و هرمنوتیکال است. البته این بدان معنا نیست که در تحلیل گفتمان توجهی به بافت تاریخی و زمینه‌ی اجتماعی تولید ایده نمی‌شود. در واقع چنانکه دباشی می‌گوید یک گفتمان تولیدکنندگانی دارد. این تولیدکنندگان خود دارای متونی هستند و این متون نیز خود تحت شرایط خاصی تولید می‌شوند. این شرایط عبارتند از شرایط تاریخی (زمانی) شرایط اجتماعی (مکان) و شرایط روانی (ذهنی) تولید کننده. بحث فوق بدین معناست که طبق این دیدگاه واحد تحلیل گفتمان عبارت است از نوعی ارتباط دو طرفه بین ایده یا گفتار ایدئولوگ و ذهن کنشگر یا به عبارتی بین سوژه و متن. در باب انقلاب ایران این موضوع این گونه صدق می‌کند که اولین کنش از طرف بخش‌های کوچک و بزرگ دولتی‌ای است که تحت فشار قرار گرفته است. پاسخ کلامی به آن اظهارات ایدئولوژیک آیت‌ا... خمینی علیه آن کنش است. دور دوم کنش نیز ممکن است از سوی سیاستمداران یا بخش‌های دیگر دولت و یا انقلابیون و حامیان آیت‌ا... خمینی صورت گیرد. دقیقاً از طریق همین زنجیره‌ی وقایع بود که آیت‌ا... خمینی انقلاب اسلامی ایران را به جریان انداخت و به ثمر رساند.

در تحلیل متون ایدئولوژیک‌های انقلابی، دباشی از روش نشانه‌شناسی و تحلیل ساختگرایانه بهره می‌گیرد. کتاب «شرح تصویری یک انقلاب» خود بارزترین نمونه از این نوع تحلیل می‌باشد. نکته‌ی حائز اهمیت در اینجا تغییر واژگان و عبارات به انگاره‌ها و تصاویر است. با این وجود در منطق زبانشناسی جدی تصاویر و یا هر انگاره‌ای خود به عنوان یک نشانه دارای دال و مدلول است و یا مانند هر نشانه‌ی زبانی نیز قابل تحلیل می‌باشد. دباشی نیز با زبانی استعاری توضیح می‌دهد که رنگها، تکنیک‌ها، نمادها و، صداها و ... همگی در یک اثر هنری یا یک انگاره نقش واژگان را در متن ایفا می‌کند. وی چنین می‌نویسد:

« آنچه حائز اهمیت است این نکته است که این تصاویر و ابژه‌ها منفک نیستند بلکه آنها خود واژگان و به عبارتی زبان گفتمان انقلابی می‌باشند که به شکل نمادین و اسطوره‌ای در قالب تبلیغات، تصاویر هنری و نشانه‌های دیگر با ما سخن می‌گویند.»

دباشی توضیح می‌دهد که این تصاویر سخن می‌گویند ولی سخن گفتن آنها از طریق کلام نیست؛ بلکه از طریق مشاهده است یا به قول ایشان در اینجا شنیدن از طریق چشم صورت می‌گیرد و نیز می‌نویسد:

« ما قصد داریم حکایت تصاویری را بیان کنیم که خودشان خود را بر روی دیوارها، پوسترها، تمبرها، سکه‌ها، کتابها و غیره روایت می‌کنند. در ضمن ما قصد داریم رد آنها را تا کنج ذهن‌های تولیدکننده‌ی آنها دنبال کنیم. بنابر این این کار حکایت تصویری (به علاوه‌ی برخی واژگان ضروری همراه تصاویر) انقلاب ایران می‌باشد.»

در مجموع دباشی با توضیحاتی سعی می‌کند خود را از جبرگرایی و محافظه‌کاری دیدگاه‌های ساختگرایانه برهاند. وی از این دیدگاه فوکو بهره می‌گیرد که قدرت در دل خود ضد خود را تولید می‌کند و معتقد است که انسان و زبانش (واژگانش) از هم جدایی ناپذیرند. ... پس ما قبل از اینکه در یک لحظه‌ی تلویخی هستی بیابیم قبلاً محقق گشته‌ایم. و در ادامه توضیح می‌دهد که انسان با ساختارهای ماقبل خود در ارتباط است و همان طور که مصرف‌کننده‌ی زبان است تولیدکننده‌ی آن نیز محسوب می‌گردد. یعنی انسان فقط مظهر گفتمان‌ها نیست بلکه گفتمان‌ها در ذات خود فرصتهایی را برای به چالش کشیدن خود دارا می‌باشند. در حقیقت دباشی نقش رهبری امام خمینی را نیز با همین تحلیل توجیه می‌نماید.

دباشی به یک بنیان دوگانه‌ی مشروعیت در فرهنگ سیاسی ایرانیان اشاره دارد که عبارتند از:

۱. نظام پادشاهی یا به عبارتی مشروعیتی بر مبنای فره ایزدی که به قبل از اسلام بر می‌گردد این نوع مشروعیت مبتنی بر این ایده می‌باشد که شاه به عنوان منبع خیر در زمین می‌بایست در مقابل «انگرمینو» یا منبع شر به پشتیبانی از اهورامزدا بپردازد. به همین دلیل شاه دارای ویژگیهای فرهمند بود
۲. بنیان اسلامی مشروعیت سیاسی شاهان ایران (بعد از اسلام) نیز ناشی از اقتدار حضرت محمد (ص) و تثبیت این اقتدار در دوران خلفای اسلامی می‌باشد

در حقیقت دباشی با شرح این دو گونه مشروعیت سیاسی در ایران قصد دارد مخاطب خود را با دو بافت تاریخی مختلف آشنا کند. دو بافتی که هر یک دارای نمادها، نشانه‌ها و اسطوره‌های خاص خویش است. این دو نوع بافت در واقع منبع ایدئولوژیهای پیش از انقلاب محسوب می‌شوند برای مثال ایدئولوژیهای ناسیونالیسم از اسطوره‌های ایران باستان برای بازسازی گفتمان خویش بهره می‌برند. ... از نظر دباشی ایدئولوژیهای اسطوره‌های کهن فرهنگ را استخراج و سپس با تکنیک‌های معنایی دیگری بار آن نشانه می‌کنند. از آن پس آن اسطوره به مثابه‌ی یک نشانه‌ی دیگر از معنای کهنه‌ی خویش تهی گشته و مجدداً معنایی دیگر اخذ می‌کند. این اسطوره‌ها مخاطبین خویش را فرا می‌خوانند یا به قول آلتوسر استیضاح می‌کنند. این اسطوره‌ها با عمق روانهای مخاطبین خود با دردها و حساسیتهایشان ارتباط دارند از نظر دباشی هر ایدئولوژی دارای یک محتواست، این محتوا همان پیام ایدئولوژی است. ایدئولوژی اسلامی نیز به عنوان اصلی‌ترین ایدئولوژی دارای محتوایی منحصر بفرد است. به اعتقاد دباشی در هر اعتراض به لحاظ فرضی « دیگری» ای وجود دارد. « دیگری» عامل آن آسیب یا رنجی است که مردم به صورت جمعی آن را درک یا تصور کرده‌اند. از نظر دباشی بیش از هر چیز نارضایتی جمعی علیه ساحتی خیالی به نام غرب است که عمیقاً جنبش انقلابی را به حرکت واداشت. این نارضایتی عمیقاً در مفاهیم، اصطلاحات، هنجارها و آداب مردم منعکس گردید. ولی چنانکه دباشی تأکید می‌ورزد زبان این اعتراض (یعنی مفاهیم، اسطوره‌ها، نشانه‌ها، نمادها و ...) زبانی دینی (مذهبی) بود. زبان

دینی از نظر دباشی زبانی است که ادعای بیان نوعی حقیقت را دارد . بنابراین ایدئولوژی دینی (اسلامی) با تولید و بازتولید مفاهیم خاص خود در واقع نظامی از حقایق را تولید می کند که حول محوری به نام « خدا » در گردش است. این نظام حقایق چنانکه فوکو می گوید، فضای اجتماعی را سامان می بخشد و به کنش ها معنا و جهت می دهد و عامل یک سری تمایزات مانند حقیقی/دروغین، دینی/غیر دینی، خودی/غیر خودی و ... می گردد.

از نظر دباشی علاوه بر برتریهای گفتمانی که ایدئولوژی اسلامی نسبت به سایر ایدئولوژیها دارا بود به عنوان مثال استفاده از امکانات زبانی نظیر تکیه بر نمادها، اسطوره ها و فرم زبانی خاص و نیز علاوه بر شرایط مادی تولید گفتمان، ایدئولوژی اسلامی دارای یک ویژگی منحصر بفرد دیگری نیز بود . این ویژگی مربوط می شود به نقش رهبری امام خمینی. با توجه به اینکه ایدئولوژی اسلامی حاصل کار مشترک ایدئولوژیهای مختلف است . به همین دلیل از نظر دباشی نیاز به عاملی است که صداها را متفرق و گوناگون که از میان گفتمان انقلابی شنیده می شود را یکپارچه نماید . دباشی این عامل را رهبری امام خمینی می داند و ی چنین می نویسد:

« آیت ... خمینی با سلاحی بسیار ارزان تر از سلاح های مدرن شاه توانست وی را سرنگون کند . سلاح ایشان قلمشان بود. »

به اعتقاد دباشی در گفتمان انقلابی قبل از انقلاب، ما با دو نوع ایدئولوژی روبرو بوده ایم:

اول ایدئولوژی اسلامی و دوم ایدئولوژی ولایت فقیه.

هر دو ایدئولوژی با مفاهیمی چون خدا، انسان و جامعه در بستری تاریخی مفصل بندی شده اند . به اعتقاد دباشی ایدئولوژی اسلامی چیزی جدای اسلام (در مفهوم مذهبی آن) و ایدئولوژی (در مفهوم سکولار آن) می باشد. نکته ی دیگر در باب ولایت فقیه و ایدئولوژی اسلامی این است که « ایدئولوژی اسلامی و ولایت فقیه نمی توانند در قالب یک دکتترین منسجم قرار گیرند. علیرغم این واقعیت که آنها همواره توارایی ترکیب کردن نیروهای سیاسی مختلف را دارند. یکی از وجوه شباهت ایدئولوژی اسلامی و ولایت فقیه از نظر دباشی این است که هر دو به چیزی ناشناخته یعنی غرب واکنش نشان دادند ولی در عین حال واکنش آنها واکنشی متفاوت بود. ایدئولوژی اسلامی با ایدئولوژیهای چون شریعتی، نبی صدر، آل احمد، مطهری و... بنیان نظامی استبدادی و بسته و متمایل به غرب را از میان بردند ولی ولایت فقیه ایده ای بود که بیشتر ساختن و بنا کردن جامعه ای آرمانی را در سر می پروراند . (مهرآیین و فاضلی، کتاب در دست انتشار، ص: ۱۸۹-۱۶۵)

(ب) مایکل فیشر:

کتاب فیشر بلعنوان « ایران: از مباحثه ی مذهبی تا انقلاب اسلامی » با رویکردی معناکاوانه به بررسی انقلاب اسلامی پرداخته است و در آن بر نقش فرهنگ و شناخت متعارف در تغییر اجتماعی تأکید شده است

فیشر در کتاب خود ساز و کارها و پویایی های درونی فرهنگ (از جمله تغییر نظام آموزش دینی) و تأثیر آن در انقلاب ایران را مورد بررسی قرار داده است . البته فیشر سوالات دیگری نیز مطرح کرده و پاسخ به آنان را منوط به بررسی انقلاب اسلامی ایران دانسته است. از نظر وی انقلاب ایران:

۱. جزئی از پرسش کلی درباره ی جامعه شناسی و انسان شناسی دنیای اسلام است.
۲. به پرسشهایی درباره ی جامعه شناسی تطبیقی امکان وقوع انقلابات در آخر قرن بیستم ارتباط دارد